

بیماری های سقط دهنده

(Abortion Diseases)



این بیماری ها
در افغانستان موجود اند.



۱. تعریف

میش ها و بز های ماده هر دو به صورت عادی حیوانات بسیار بارور با زاینده اند، ولی وقایع سقط در آنها در مقایسه با حیوانات کشتگاهی (فارم) دیگر بیشتر است. بیماری های ساری بیکه عامل سقط اند در این پروسه نقش مهمی را بازی نموده و منبع مهم خساره اقتصادی بوده می توانند. عوامل مهم ساری سقط در گوسفندها و بزها کلامیدیوز (chlamydiosis) یا سقط انزووتیک میش ها (EAE) توکسوپلازموز، بروسلوز، تب کیو (Q- fever) کمپایلو باکتریوز و لستریوز می باشند.

۲. عامل شناسی

کلامیدیوز (**Chlamydiosis**) توسط کلامیدوفیلا پسیتاسی (*Chlamyphila psittaci*) ، که یک باکتری گرام منفی داخل حجری است، به وجود می آید.

توکسوپلازموز (Toxoplasmosis) توسط توکسوپلازما گوندی (*Toxoplasma gondii*)، که یک پروتوزوای داخل حجری است، تولید می گردد.

بروسلوز (**Brucellosis**) به وسیله بروسلا ملیتیسیس (*Brucella melittensis*) که یک کوکو باسیل گرام منفی ویژه بز ها، بروسلا او ویس (*Brucella ovis*) ویژه ی

گوسفند ها اند به میان می آید. در بعضی مواقع عفونت بروسلا ابورتوس (*Brucella abortus*) در بز هایی که با گاو های مبتلا و یا واکسین شده گشته و گذار دارند، رخ می دهد. اگر چه بروسلا ملیتیسیس ویژه بز هاست، ولی سبب سقط در گوسفند نیز می گردد.

تب کیو (Q-fever) توسط کوکسیللا برنتی (*Coxiella burnetii*)، که یک مایکرو ارگانیزم درون حجری اجباری ریکتیسیایی است، به وجود می آید.

کمپایلو باکتریوز (campylobacteriosis) توسط کمپایلوباکتر جیجنی (*C. jejuni*) و کمپایلو باکتر فیتس (*C. fetus*) که قبلاً ویریو فیتس انتستینالس (*Vibrio fetus intestinalis*) نامیده می شد، به وجود می آید.

لستریوز (listeriosis) را لستریا مونوسایتونجنس (*Listeria monocytogenes*) که یک مایکرو ارگانیزم گرام مثبت، نامقاوم به تیزاب - الکول است، بار می آورد. ستون هایه که سقط را سبب می شوند اغلبًاً به سیروتایپ 1 تعلق دارند.

۳. سرایت
کلامیدیوز (Chlamydiosis): کبوتر ها و گنجشک ها به مثابه ی ذخیره گاه ارگانیزم پنداشته شده و عقیده بر آن است که کنه ها یا حشرات در انتقال بیماری نقش دارند. حیوانات سقط داده مقدار زیاد ارگانیزم را به ویژه در سه هفته ی نخست پس از سقط با افزایش رحم، جنین و پلاستنا پراگکنده می سازند که توسط حیوانات دیگر بلعیده می شود.

توکسoplazmosis (Toxoplasmosis): پشك ها حیوانات محوری در انتقال توکسoplazma گوندی (*T.gondii*) اند. آنها با خوردن جونه گان کوچک و پرنده گان مصاب گردیده و باعث بیرون شدن مقدار زیاد او او سیست (oocyste) های مقاوم در برابر عوامل محیطی می گردند. پشك ها اکثرًا به دفعات دفع فضله می نمایند و مواد غایطه ی شان را در بین کاه و آخر ها دفن می کنند. میش ها و بز های ماده با گرفتن آب و غذای آلوده با او او سیست های مواد غایطه پشك های مصاب، مبتلا می گردند. مایکرو ارگانیزم داخل خون گردیده و در ظرف دو هفته پس از گرفتن او او سیست ها به انساج دیگر پخش می گردد. توکسoplazma در میش ها و بز های بار دار بر پلاستنا هجوم برده، تکثر نموده و سپس به جنین انتشار و سبب سقط، مرگ جنین، جذب جنین، مرده تولد شدن چوچه یا تولد بره های ضعیف می گردد. نظر به مرحله ی بارداری چوچه های عادی نیز تولد می شوند.

امراض ساری حیوانات در افغانستان

بروسلوز(Brucellosis): معمول ترین راه انتقال خوردن آب و غذای آلوده است. ارگانیزم از طریق غشا های مخاطی داخل شده و در عقده های لمفاوی، پستان، رحم، خصیه ها و تلی جا به جا می گردد. در حیوانات باردار با جا به جا شدن در پلاستنا، التهاب پلاستنا (Placentitis) انکشاف نموده به سقط می انجامد.

تب کیو (Q-fever): گاو، گوسفند، بز و حیوانات وحشی ارگانیزم را حمل نموده و تعداد زیاد آنرا با پلاستنا، مایعات رحم، فله و شیر پخش می نمایند، بنابر آن گاوها ماده و گوسفند برای بز ها زمانی منبع بیماری بوده می توانند که چرشگاه مشترک داشته باشند. انسان ها و حیوانات با تنفس خاک آلوده مصاب شده می توانند. گزیدن کنه ها و چرش در چراگاه های آلوده طریقه های دیگر سرایت اند.

کمپایلوباکتریوز(campylobacteriosis): مهم ترین منبع عفونت پلاستنا و افزایات رحم حیوانات سقط داده می باشد. بلع ارگانیزم هایی که با پلاستنا و مایعات رحم در اثنای سقط یا ولادت پراگنده می گردند و یا تنفس آیروزوول ها، عمدہ ترین راه های انتقال بیماری اند.

لیستیریوز(Listeriosis): لیستریا مونوساینیتوچس ممکن است در خاک، آب، گیاه، فرش زیر پا، پارو، سایلچ و کanal هضمی نشخوار کننده ها یافت شود. این ارگانیزم در خاک و مواد غاییه برای مدت درازی زنده می ماند و در سایلچی که به خوبی تخمر نه شده باشد (سویه pH بزرگتر از ۵.۵)، می روید. در برخی از کشتگاه ها سقط به تغذیه ای سایلچ نسبت داده شده در حالیکه سقط ها در کشتگاه هایی که بز ها و گوسفند ها افزون بر آن با غذای متراکم با کاه تغذیه گردیده و یا این که از شاخ و برگ درختان تغذیه نموده اند، نیز گزارش شده است.

۴. انواعی که مصاب می شوند
اکثر بیماری هایی که باعث سقط می گردند به شمول کلامیدیوز، تب کیو، توکسیپلازماز، کمپایلوباکتریوز، بروسلوز و لیستیریوز بین انسان و حیوان مشترک اند. مالکین باید توصیه گردند تا حین تماس با جنین سقط شده دستکش پوشیده و پلاستناها و جنین سقط شده بی را که برای مقاصد تشخیصی ضروری نباشد، دفن نموده یا بسوزانند. افزون بر آن پاستورایزیشن شیر برای مصرف انسانی تأکید گردد.

۵. علایم کلینیکی

کلامیدیوز: سقط ها اکثراً در ماه اخیر بارداری واقع می شوند ولی پیشتر از روز صدم بارداری نیز رخ داده می توانند. بز ها و میش ها معمولاً بیمار نه بوده ولی دو تا سه روز پیش از سقط افزایش خون آلود از واجنای شان بیرون می شود.

جنین ممکن خود به خود تجزیه شده یا تازه باشد. شاید برخی از نوزادان ضعیف به ملاحظه رسیده و در شماری از حیوانات ماده ها بندش پلاستیک رخ دهد. گاهی هم بیماری های تنفسی، التهاب تعداد زیاد از مفاصل و التهاب کنجدکتیوای چشم و بندش پلاستیک از طور یکجایی در رمه دیده می شود.

توکسپلازموز (Toxoplasmosis): چنین معلوم می شود که بز ها در برابر عفونت های ناشی از توکسپلازمما گوندی نظر به گوسفند حساس تر اند. سقط در بز های ماده در تمام سنین ولی عمدتاً در ماده بز هایی که در زمان بار داری به عفونت گرفتار می شوند واقع شده می تواند، همچنان در بار داری بعدی نیز تکرار شده می تواند. میش ها و ماده بز هایی که قبل از نسل گیری مصاب شده اند، سقط نمی کنند. در نزد آنهایی که با گذشت سی تا نود روز پس از جفت گیری مبتلا می گردند معمولاً جذب یا مومیایی شدن (mummification) چنین به ملاحظه می رسد. اکثر واقعات سقط در سه ماه آخر بارداری دو تا سه هفته پیش از وقت معینه زایش و پس از وقوع عفونت در نیمه دوم بارداری به وقوع می پیوندد. به صورت عموم خود میش ها و بز های ماده در موقع سقط از نگاه کلینیکی عادی می باشند.

بروسلوز (Brucellosis): گوسفندها و بزها هردو مصاب گردیده و سقط در اخیر بارداری رخ می دهد. هم مانند سایر انواع در اینجا نیز زمانی که بیماری در گله داخل می شود با مرحله ای مقاومت گله که طی آن واقعات سقط رخ نمی دهنند، دنبال گردیده و سپس ممکن طوفانی از سقط ها (abortion storm) واقع شوند. عکس العمل سیستمی همراه با تب، کسالت، باختن وزن و بعضی اوقات اسهال دیده شده و ممکن است با التهاب پستان، لنگش، تجمع مایع (hygroma) و در حیوانات نر با التهاب خصیه (Orchitis)، همراه باشد.

تب کیو (Q-fever): در حیوانات معمولاً بیماری مخفی است با آن هم شایعات سقط تصادفی توسط کوکسیبیلا برنتی گزارش داده شده است. در گوسفند و بز علایم کلینیکی نادر

امراض ساری حیوانات در افغانستان

بوده ولی سقط و تولد چوچه‌ی مرده در اخیر بارداری بنابر آسیب شدید پلاستنا، نکروز کوتیلیدون‌ها و ضخیم شدن ساحتان بین کوتیلیدونی (intercotyledonary area) به وقوع می‌پیوندد. بعضی از ماده‌بز‌ها بدون نشان دادن علایم کلینیکی واضح سقط می‌کند، در حالیکه برخی دیگر ۱ - ۲ روز پیش از سقط بی‌اشتهاای و کسالت نشان می‌دهند.

کمپایلو باکتریوز (Campylobacteriosis): علایم کلینیکی بیماری در ماده‌بز‌ها و میشها عبارت از سقط‌های اخیر بارداری و تولد بره‌ها و بزرگاله‌های مرده می‌باشد.

حیوانات سقط کرده ممکن علایم بیماری سیستمی را نشان داده و یا ندهند. افزایش مخاطی - ریمی یا ریمی خون آلود فرجی در همه‌ی حیواناتی که سقط نموده اند، گزارش شده است.

لیستریوز (Listeriosis): سقط در نتیجه‌ی عفونت در اوایل بارداری واقع می‌شود، ولی عفونت پسانتر ممکن سبب تولد چوچه‌مرده یا ضعیف‌گردد. شکل سقطی (abortion form) و شکل التهاب دماغی (encephalitic form) لیستریوز معمولاً در عین زمان در یک رمه به وقوع نمی‌پیوندد. سقط در دو ماه اخیر بارداری واقع شده ولی پیش از آن حیوان سیپتیسمیا می‌داشته باشد. نشانه‌های سیپتیسمیا در بر دارنده‌ی تب، کمی اشتها و کاهش تولیدشیر است.

۶. در یافته‌های پتولوژیک

در همه حالات سقط ناشی از عوامل ساری آفت مشترک از التهاب پلاستنا عبارت می‌شود. بنابر التهاب پلاستنا یا در اثر عدم تبادله‌ی موادغذایی از طریق پلاستنا، جنین می‌میرد و یا اینکه خودش مصاب گردیده و تلف می‌شود. در صورت سقط ساری بیماری دوامدار رحم و عقامت رخ داده و بیماری بقیه رمه را تهدید می‌نماید.

کلامیدیوز (Chlamydiosis): چوچه شاید خود به خود تجزیه (autolysed) شده) و یا تازه باشد. پلاستنا التهاب ناھیوی و یا عمومی را (ساحتان نکروز شده سفید تا زرد)، که کوتیلیدون‌ها و ناحیه بین کوتیلیدونی را در بر دارد، نشان می‌دهد.

توکسو پلازموز (Toxoplasmosis): سقط در اثر نکروز پلاستنا به ویژه کوتیلیدون‌ها واقع می‌شود. ساحتان بین کاتیلودونی پلاستنا عموماً عادی بوده در حالی که کوتیلیدونها دارای ساحه‌های محراقی نکروز سفید تا زرد و آهکی شدن (calcification) تا قطر یک

امراض ساری حیوانات در افغانستان

سانتی متر می باشدند. آفات پاد شده زمانی که کوتیلیدون ها با سلاین شسته شوند، به طور واضح با چشم دیده می شوند.

بروسلوز(Brucellosis): با معاینه ی مستقیم در بز های مصاب به بروسلالمیتسیس، پلاستنا عادی است در حالی که در گوسفند های مبتلا به عفونت بروسلا اوویس ضخیم شدن پلاستنا و التهاب نکروتیک پلاستنا را به بار می آورد. جنین سقط شده اکثراً تازه ولی تا حدی خود به خود تجزیه شده اند. جنین های مبتلا اغلب آفات بر جسته را در اعضای مصاب نشان نمی دهند.

در عفونت های بروسلا اوویس نقاط آهکی شده در دیوار ها و کف شنگل و انگشتان فرعی آن آفات مشخص کننده تلقی می شوند.

تب کیو (Q-fever): در این صورت پلاستنا طور شدیدی آسیب دیده و در کوتیلیدون ها نکروز و ضخیم شدن ساحتات بین کوتیلیدون ها به ملاحظه می رسد.

کمپایلو باکتریوز(Campylobacteriosis): پلاستنا اکثراً ادمایی بوده همراه با نکروز کوتیلیدون ها و ساحتات نصواری ضخیم شده بین کوتیلیدونی با افزایش پوشیده است. در جنین های سقط شده به طور بر جسته نکروز واضح جگر به ملاحظه می رسد.

لیستر یوز (Listeriosis): تا اندازه بی نکروز کوتیلیدون ها و ساحتات بین کوتیلیدونی موجود بوده و جنین معمولاً خود به خود تجزیه شده می باشد. جگر (و ممکن شش) جنین شاید دارای محراق های نکروتیک به قطر ۵۰ تا ۱ ملی متر باشد.

۷. تشخیص

برای تشخیص واقعات سقط در گوسفندها و بزها یک اقدام سیستماتیک ضروری است. تدقیق کننده باید یک تاریخچه ی خوب غذایی و کلینیکی را به شمول احتمال مواجه بودن با حیوانات حامل به دست بیاورد. اگرچه تاریخچه ندرتاً معلوماتی را که مستقیماً به عامل سقط اشاره کند، فراهم می نماید، ممکن رهنمودهای دریافت گردد که نشان دهنده ی ضرورت تشخیص بیماری می باشد. زمانی که سقط رخ می دهد حیوان باید جدا گردد و هر جنین سقط شده برای معاینات بعدی لابراتواری حفظ گردد. در صورت گوسفند و بز جنین، پلاستنا و نمونه های سیرم جوره یی حیوانی که سقط نموده به صورت مکمل به لابراتوار تشخیص فرستاده شود. بدون پلاستنا شناسایی کلامیدیوز و توکسوپلازموز مطمئن نیست.

کلامیدیوز (Chlamydiosis): تشخیص با در نظر داشت سابقه سقط در یکجایی با علایم کلینیکی و نشان دادن انکلوژن بادی ها (Inclusion bodies) در سلاید های فشرده از پلاستنا، انساج جنینی و افزار رحم صورت می گیرد و تشخیص دقیق با کشت عامل بیماری از پلاستنا و نسج جنین انجام داده می شود. آزمایش های سیرولوژیک نیز در تشخیص با ارزش اند.

توکسوپلازموز (Toxoplasmosis): در صورت موجودیت پلاستنا یک تشخیص احتمالی به تنهایی بر اساس آفات آن شده می تواند. موجودیت محراق های نکروزی سفید تا زرد و آهکی شدن کوتیلیدون ها فقط مشخصه ی توکسوپلازموز بوده و در ساحه یک وسیله ی تشخیص شمرده شده می تواند. از طرف دیگر کوکسیلا برنتی (Coxiella burnetii)، انواع بروسلا و انواع کلامیدیا طور معمول سبب التهاب پلاستنا می شوند که ساحه بین کوتیلیدونی را در بر می گیرد. تشخیص مثبت توکسوپلازموز ضرورت به تحرید عامل از پلاستنا، دماغ، شش و عضلات جنین دارد. نمونه هایی که برای تحرید عامل گرفته می شوند، باید در يخ فرستاده شده ولی منجمد نشوند.

بروسلوز (Brucellosis): تشخیص بروسلوز به حیث عامل سقط معمولاً با تحرید عامل از جنین سقط شده، پلاستنا و افزارات واژن صورت می گیرد. برای دریافت حیوانات حامل آزمایش های متعدد اگلوتینیشن، پرسپیتیشن و تثیت کامپلمنت مورد استعمال قرار دارند.

تب کیو (Q-fever): تشخیص بر اساس دریافت های پلاستنا، سیرولوژی و تحرید ارگانیزم عامل صورت می گیرد. گرچه تحرید کوکسیلا برنتی وسیله ی مطلوب تشخیص است ولی معمولاً بنابر قدرت سرایت و انتقال آن به انسان عملی نیست. آزمایش انتی بادی فلورستنت برای شناخت ارگانیزم عامل در مقطع يخ زده پلاستنا، استعمال شده می تواند.

کمپایلو باکتریوز (Campylobacteriosis): تشخیص دقیق سقط کمپایلو باکتریایی از طریق تحرید ارگانیزم عامل صورت می گیرد. معاینه مستقیم میکروسکوپی و تحرید انواع کمپایلوباکتر از پلاستنا، محتویات معده حقیقی جنین و افزارات واجنایی مادری روشی است که برای تشخیص ترجیح داده می شود.

لیستریوز (Listeriosis): تشخیص با تحرید ارگانیزم عامل از پلاستنا، محتویات معده حقیقی و افزارات رحمی صورت می گیرد.

امراض ساری حیوانات در افغانستان

۸. تداوی

تشخیص در حادثه بیکه سقط در یک گروهی از حیوانات بار دار در عین زمان رخ دهد اکثراً برای چند روز مساعد نه می‌گردد در این صورت ایجاد می‌نماید تا تداوی بقیه حیوانات باردار با تتراسیکلین آغاز گردد، زیرا اکثر عوامل عفونی که در گوسفند و بز سبب سقط می‌گردند، مقابله تتراسیکلین حساس اند.

یکی از طرق ممکن این است که سه زرق از تتراسیکلین دارای اثر دوامدار به مقدار ۲۰ ملی گرام در هر کیلوگرام وزن بدن به وقهه‌های سه روزه انجام داده شود. رمه‌های مولد گوشت و پشم عموماً از طریق دهن با دادن ۴۰۰ الی ۵۰۰ ملیگرام تتراسیکلین روزانه به هر حیوان برای مدت دو هفته تداوی می‌گردد. در رمه‌های شیری چنین معمول است که برای معالجه میش‌ها و ماده بز‌های خشک از اوکسی تتراسیکلین دارای اثر دوامدار به مقدار ۲۰ ملی گرام در هر کیلوگرام وزن بدن از طریق زیر جلد برای مدت ده تا چهارده روز زرق می‌گردد. مدت اخراج دوا از عضویت در حیوانات شیرده مد نظر گرفته شود.

۹. جلوگیری و کنترول

در افغانستان برای اکثر این بیماری‌ها واکسیناسیون صورت نه می‌گیرد. غشا‌های جنینی و جنین باید دفن شده و یا سوختانده شوند تا از انتقال عفونت به دیگر حیوانات جلوگیری گردد. کنترول توکسوپلازموز بر اساس جلوگیری از تماس حیوانات باردار با مواد غایطه پشک‌ها صورت می‌گیرد. برای پشک‌ها اجازه داده نه شود تا مواد غایطه‌ی شانرا در آخر و کاه بیرون کنند. غشا‌های جنینی و جنین مرده گوسفند‌ها و بز‌های سقط کرده توسط اشخاصی که دستکش داشته باشند محتاطانه برداشته شوند، تا از سرایت عفونت به انسان جلوگیری گردد. شیر بز و گوسفند برای مصرف انسانی باید قبلاً پاستوریزه گردیده و یا جوش داده شود.



شکل. نکروز چند محراقی
کوتیلیدونها، سقط ت



شکل. نکروز چند محراقی
جگر، مشخصه‌ی سقط



شکل. موجودیت ساحت دایروی
نکروز در جگر، مشخصه‌ی
سقط کمپایلو باکتریایی



شکل. اپیدیدیماتیس ریمی
(suppurative epididymitis)
در عفونت بروسلا اوویس